

## نظریه جدید درباره نزول قرآن در ماه رمضان

غلامحسین اعرابی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۳/۳۰)

### چکیده

درباره نزول قرآن در ماه رمضان، از دیر زمان دانشمندان اسلامی نظریات مختلفی ابراز کرده اند. اما به نظر می‌رسد هیچ کدام از آنها متکی به دلایل محکم نباشد و در طی مقاله به اجمال مورد بررسی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد آیات حاکی از نزول قرآن در ماه رمضان و شب قدر ناظر به یک سنت لایتغیر الهی است و آن عبارتست از این که هر امر محکم، ذی شأن و هر حادثه مهمی در شب قدر، تقدیر، اندازه گیری و تصویب می‌شود. زیرا شب قدر شب حکم است. آنگاه در زمان و مکان مقدر به منصفه ظهور و بروز می‌رسد، از این رو قرآن کریم که نسخه حکیمانه و محکم هدایت بشر الی الابد است در شب قدر، نزول و بروزش در مدت رسالت پیامبر ﷺ تقدیر و تصویب شده است. لذا «در شب قدر امر خدا بر این قرار گرفته که قرآن را به صورت تدریجی (برای هدایت مردم) بر قلب پیامبر حضرت محمد بن عبدالله صلوات الله علیه و آله نازل کند». دلایل قرآنی و روایی بر این نظر دلالت دارد و تفصیل آن در مقاله بیان شده است.

کلید واژه‌ها: نزول قرآن، ماه رمضان، نزول دفعی، قدر، شب قدر، نزول تدریجی.

## بیان مسأله

ظاهراً برای اولین بار یکی از بازماندگان خوارج به نام «عطیه بن الاسود» (متوفای ۷۵ق) (دینوری، ۲۶۹). به ابن عباس می‌گوید: من دچار شک شده‌ام زیرا قرآن در آیاتی چند نزولش را در ماه رمضان، شب قدر و شب مبارک معرفی کرده: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (البقره، ۱۸۵): «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (القدر، ۱): «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» (الدخان، ۳) و حال آنکه قرآن در ماه‌های شوال، ذیقعد و غیر آن نازل شده است، ابن عباس پاسخ می‌دهد: لیلۃ مبارکه همان شب قدر است، و این شب در ماه رمضان قرار دارد؛ قرآن جمله واحده (بصورت دفعی) در شب قدر به بیت المعمور نازل؛ آن‌گاه در خلال سال‌ها و ماه‌ها رسلاً رسلاً (به صورت تدریجی) بر پیامبر ﷺ نازل شده است. (طبری، ۱۹۷/۲؛ ابن کثیر، ۲۲۲/۱؛ سیوطی، ۱۶۹/۶).

پاسخ ابن عباس به مرور به عنوان یک امر مسلم و قطعی درباره نزول قرآن در نزد دانشمندان اسلامی، تلقی و سپس در منابع روایی اهل سنت از ابن عباس و در منابع روایی شیعه از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است. (کلینی، ۶۲۹، حاکم نیشابوری، ۲۲۲/۲).

شیخ صدوق نزول دفعی را به عنوان یک اعتقاد مذهبی ارائه کرده است به این صورت که: «اعتقادنا فی ذلك أن القرآن نزل فی شهر رمضان فی لیلۃ القدر جمله واحده الی البیت المعمور ثم نزل من البیت المعمور فی مده عشرين سنه...» (صدوق، ۸۲).

گرچه نزول دفعی قرآن را شیخ صدوق به عنوان یک اعتقاد شیعی مطرح کرده اما شاگردش شیخ مفید آن را نپذیرفته و معتمد صدوق را خیر واحدی دانسته که نه ثمره علمی دارد و نه ثمره عملی (مفید، ۱۲۲).

## بررسی روایات نزول دفعی قرآن

این روایات بیشتر از طریق اهل سنت و غالباً از ابن عباس مرسلان نقل شده است؛ مثل:

روایاتی که ذیل آیه "فلا اقسام بـمواقـع النـجوم" (الواقعه، ۷۵) در تفاسیر آمده که ابن عباس گفته است: قرآن در شب قدر از آسمان بالا به آسمان پایین (من السماء العلیا الی السماء الدنیا) به صورت کامل و دفعی (جمله واحده) نازل شده و سپس بصورت تدریجی (رسلا رسلا) سه آیه، پنج آیه و کمتر و بیشتر به زمین نازل شده است. (سیوطی، ۱۶۱/۶). ولی از ابن مسعود نقل شده است که: مراد از واقع نجوم آیات محکم قرآن است که تدریجا بر پیامبر ﷺ نازل شده است. (همانجا)

در روایتی دیگر از ابن عباس نقل شده است که: شب مبارک همان شب قدر است که در ماه رمضان می‌باشد و قرآن بصورت دفعی (جمله واحده) از "ذکر" به محل غروب ستارگان در آسمان دنیا نازل شده، آنگاه به شکل امر، نهی و در باره جنگ‌ها تدریجا بر پیامبر ﷺ نازل شده است. (طبری، ۸۴/۲) و ظاهراً مراد از ذکر، مقام علم الهی باشد. چنانکه در روایت دیگری آمده است که: قرآن در شب قدر از ذکر که در نزد خدای عز و جل است بر "بیت العزه" در آسمان دنیا نازل شده است (سیوطی ۳۷۰ / ۶). و در روایت دیگر از ابن عباس: قرآن به صورت کامل (دفعتا واحده) بر جبرئیل در شب قدر نازل شده و جبرئیل به آن مقدار که از جانب خدا مامور می‌شد بر پیامبر ﷺ نازل می‌کرد. (طبری، ۸۴/۲) و از سعید بن جبیر نقل شده که: «در شب قدر به تمامی بر "بیت العزه" نازل شده و سپس به مدت بیست سال برای جواب مردم بر پیامبر ﷺ نازل شده است. (همانجا).

در تفاسیر شیعه فقط دو روایت در این مورد از امام صادق علیه السلام نقل شده که امام فرموده است: قرآن در ماه رمضان جمله واحده بر «بیت المعمور» نازل شده است و سپس در طول بیست سال بر پیامبر ﷺ فرود آمده است (قمی مشهدی، ۲۴۴/۲) و در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام: «قرآن در اولین شب ماه رمضان نازل شده و این ماه با قرآن استقبال شده است» (همانجا).

## نقد و بررسی روایات

این روایات از چند جهت قابل خدشه است که عبارتند از:

۱- اختلاف و تعارض شدیدی در مضمون این روایات وجود دارد. مثلاً در یک‌جا آمده است که نزول دفعی قرآن در شب قدر بر آسمان دنیا (مواقع نجوم) بوده است. (حاکم نیشابوری، همانجا) و در جای دیگر آمده که نزول دفعی از آسمان بالا (سماء علیا) بر بیت العزّه بوده است (همو). و در نقل دیگر نزول دفعی قرآن بر جبرئیل بوده است و در نقلی دیگر بر بیت‌المعمور (هیثمی، ۱۴۰/۷) که مکانی در آسمان هفتم به محاذات کعبه است. (ابن حجر، ۳/۹). یا بیت‌المعمور خانه‌ای در مکان کعبه فعلی بوده و در زمان نوح به آسمان رفته است (طبری، ۱۹۷/۲؛ قرطبی، ۵۹/۱۷-۶۰).

لذا در روایات نزول دفعی، مبدأ و مقصد نزول متفاوت نقل شده تا حدی که توفیق بین آنها با توجیهی موجه مشکل به نظر می‌رسد.

۲- ضعف سند این روایات برای انسان اطمینانی حاصل نمی‌کند که بگوید این روایات از ناحیه معصومان علیهم‌السلام بدین شکل صادر شده است. چنانکه شیخ مفید به این مطلب تصریح کرده است. (مفید، ۱۲۲)

۳- در این روایات به هیچ وجه نزول دفعی قرآن تبیین نشده است که چرا باید قرآن (دفعه واحده) نازل شده باشد و غرض از این نزول چه بوده؟ چرا به آسمان دنیا یا آسمان هفتم یا بر «بیت العزّه» یا بر «بیت‌المعمور» یا «بیت‌الحرام» نازل شده؟ و آیا این‌ها قدرت تلقی قرآن را داشته‌اند یا نه؟ و حکمت این نزول چه بوده است؟

۴- می‌توان وجهی برای این روایات ذکر نمود که در شب قدر همه امور تقدیر می‌شود و دستور آنها به فرشته‌های مأمور هر کار ارائه می‌شود. چرا که تحقق آنها به دست مدبرات امر است. "فالمدبرات امرا" (النازعات، ۵). و لذا در شب قدر که "لیلة الحکم" تعبیر شده است، (سیوطی، ۳۷۱/۶) قرآن هم در شب قدر تقدیر شده و حکم آن به دست جبرئیل سپرده شده چون او مدبر وحی است. (طباطبایی، ۲۷۹/۲۰)

### تأویل و بازسازی نزول دفعی قرآن

برخی از دانشمندان اسلامی ظاهراً به لحاظ سوالاتی که حول چنین نزولی وجود دارد،

سعی کرده‌اند به نحوی نزول دفعی را توجیه کنند. مثلاً:

الف- فیض کاشانی با دو تأویل به بازسازی نزول دفعی پرداخته است.

اول: تأویل نزول قرآن به «نزول معنای قرآن» دوم: تأویل بیت المعمور به قلب پیامبر ﷺ آنجا که می‌نویسد: «ان القرآن نزل کله جمله واحده فی ليله... الی بیت المعمور و کانه ارید به نزول معناه علی قلب النبی ﷺ...» (فیض کاشانی، ۶۵/۱)

تأویل مرحوم فیض از جهاتی قابل خدشه است؛ زیرا برخلاف ظاهر روایات است در روایات، نزول معنای قرآن نیامده است ظاهر روایات این است که همین قرآن بلفظه و معناه دفعه واحده نازل شده است و تخصیص نزول دفعی به معنای قرآن نیاز به دلیل دارد.

افزون بر این هیچ کس «بیت المعمور» را به معنای قلب پیامبر ﷺ نگفته است و در مورد آن خود روایات اختلاف دارد. فیض افزوده است که «...ثم نزل فی طول عشرين سنه نجومًا من باطن قلبه الی ظاهر لسانه...» (فیض کاشانی، ۶۵/۱) این مطلب هم قابل پذیرش نیست زیرا جبرئیل مکرراً بر پیامبر ﷺ نازل می‌شده و آیه یا آیاتی را بر قلب او نازل می‌کرده است؛ نه اینکه جبرئیل یکباره بر قلب حضرت قرآن را نازل کرده باشد آنگاه در مدت بیست سال به تدریج از قلبش به زبان مبارکش آمده باشد.

ب- ابو عبدالله زنجانی نیز راه تأویل را در پیش گرفته و نوشته است که مراد از نزول دفعی قرآن در شب قدر نزول روح قرآن یعنی اغراض کلی قرآن بر قلب پیامبر ﷺ است «...یمکن أن نقول بانّ روح القرآن و هی اغراضه الکلیّه الّتی یرمی الیها تجلّت لقلبه الشریف فی تلک الیله... ثم ظهرت بلسانه الأطهر مفرّقه فی طول سنین». (زنجانی، ۳۸-۳۹).

ج- علامه طباطبایی نیز راه تأویل را در پیش گرفته و نزول دفعی را ناظر به نزول حقیقت قرآن بر قلب پیامبر ﷺ دانسته است: «...یحمل قوله شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن... علی انزال حقیقه الكتاب و الكتاب المبین الی قلب رسول الله ﷺ دفعه کما انزل القرآن المفصل علی قلبه تدریجاً...». (طباطبائی، ۱۸/۲).

به نظر می‌رسد همان ملاحظاتی که بر سخن فیض کاشانی وارد است بر سخنان

ابوعبدالله زنجانی و علامه طباطبائی نیز وارد است.

به تعبیر آیت الله معرفت: «اینگونه تأویلات، از یک نوع لطافت و ظرافت برخوردار است که در صورت وجود مقتضی و داشتن سند اثباتی می‌تواند کاملاً مناسب باشد... اما نزول قرآن از جایگاه بلندتر به جایگاه پائین‌تر که هر دو از دسترس مردم و حتی پیغمبر اکرم ﷺ به دور است چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد... بنابراین اینگونه تأویلات زمانی مناسب است که اصل موضوع ثابت شده باشد... اینگونه تأویلات چاره ساز نیست..» (معرفت، تاریخ قرآن، ۴۲).

د- نظریه آیت الله معرفت نیز توجیه و تأویلی است که کارساز نیست.

ایشان نزول دفعی را قبول ندارد و معتقد است که قرآن به تدریج در مدت رسالت پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است و آیات ناظر به نزول قرآن در شب قدر را حاکی از (آغاز نزول قرآن) می‌داند. ایشان نوشته است: «آغاز وحی رسالی (بعثت) در بیست و هفتم ماه رجب ۱۳ سال پیش از هجرت (۶۰۹ م) بود، ولی نزول قرآن به عنوان یک کتاب آسمانی، سه سال تأخیر داشت». (همان، ۳۱). «آغاز نزول قرآن در شب قدر بوده است...». (همو، التمهید، ۱/۱۱۳).

در مورد نظر ایشان چند ملاحظه وجود دارد: اول اینکه خود ایشان در نقد کلام علامه فرمودند که ظاهر آیه این است که همین قرآن بلفظه و معناه نازل شده پس تأویل به حقیقت یا روح قرآن بلاوجه است. پس به ایشان گفته می‌شود که حمل آیه بر نخستین نزول هم نیاز به دلیل دارد. قرآن نفرموده: شهر رمضان الذی بدأ فیه نزول القرآن.

دوم: این نظر با اعتقاد ایشان به آغاز بعثت که ۲۷ ماه رجب است در تضاد می‌باشد، زیرا در آغاز رسالت و مبعوث شدن که ۲۷ رجب است، آیات نازل شده سوره علق و مدثر و سوره حمد که براساس نقل‌ها (ابن کثیر، ۱/۲۲۲). در آغاز بعثت نازل شده جزو قرآن هست یا نه؟ اگر جزو قرآن است (که هست) پس آغاز نزول قرآن ماه رجب بوده و نه ماه رمضان و اگر نیست پس چرا در قرآن کتابت شده و جزو قرآن قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد که هیچ کدام از پاسخها و راه‌حلهای که درباره نزول قرآن در ماه رمضان تاکنون مطرح شده نمی‌تواند پاسخگوی اشکالاتی باشد که از جمله در سؤال عطیه بن الاسود آمده است. و نظریه جدید می‌تواند پاسخ اساسی باشد به بیانی که خواهد آمد.

بیان نظریه جدید: این است که نزول تدریجی قرآن در شب قدر به اراده خدا تقدیر و تصویب شده است، و حکم نزول تدریجی آن صادر شده است همانگونه که در روایتی آمده است: "لیلہ القدر یعنی لیلہ الحکم" (سیوطی ۳۷۱/۶) از این رو تهافتی در آیات قرآن نیست زیرا نزول قرآن در ماه رمضان ناظر به تقدیر و تصویب نزول تدریجی قرآن و صدور حکم آن است.

توضیح نظریه: این نظریه مبتنی بر یک اصل مسلم قرآنی و مدلل به دو دلیل قرآنی و روایی است.

اصل مسلم قرآنی: بر این دلالت دارد که خزانه هر چیزی در نزد خداست و خدا تقدیر می‌کند که به چه اندازه‌ای از هر چیز به جهان بفرستد و خلق کند و مراد از این که خزانه هر چیز نزد خداست وجود تحقق‌ی و مادی اشیاء نیست. مثلاً خزائن باران در نزد خدا می‌باشد معنایش این نیست که مثلاً در عالم امر و در عرش انبهارهای آبی وجود دارد و بعد خدا امر می‌کند که از آن انبهارهایی که در عالم بالاست به چه مقدار نازل شود؛ بلکه مراد وجود تقدیری اشیاء است و نه وجود تحقق‌ی آنها: «والمراد من وجود خزائنه و وجوده فی خزائنه وجوده بحسب التقدير لا بحسب التحقق». (طباطبائی، ۱۴۱/۱۲). و لذا در قرآن آمده است: «و ان من شیء الا و عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم» (الحجر، ۲۱).

از ظاهر آیه: «ان من شیء» به دست می‌آید که همه چیز و استثنائی ندارد، وجود تقدیری‌اش در نزد خداست او اندازه‌گیری می‌کند و دستور ایجاد می‌دهد و این سنت الهی است که در آیات عدیده‌ای از قرآن بدان تصریح شده است؛ از جمله: «قد جعل الله لكل شیء قدراً» (الطلاق، ۳) و «كل شیء عنده بمقدار» (الرعد، ۸). «انا كل شیء خلقناه بقدر» (القمر، ۴۹) «و خلق كل شیء فقدره تقدیراً» (الفرقان، ۲) و لذا برخی از مفسران از

خزائن تعبیر به "لوح قضاء" (فیض کاشانی، ۶۵۲/۲). و فیض کاشانی از آن تعبیر به مکتوب قلم اعلی کرده است. (فیض کاشانی، ۱۰۵/۳).

خلاصه آنکه: هر تقدیر و اندازه گیری و تصویری به امر الهی در شب قدر مشخص می شود و سپس با علل و عوامل و اسباب مادی و غیر مادی تحقق وجودی پیدا می کند؛ مثلاً: در شب قدر اراده حق بر این قرار می گیرد که در سال آتی در فلان زمان، فلان مکان و چه مقدار پس از فراهم شدن اسباب باران که آن هم به اراده و تقدیر الهی است؛ باران بیارد. قرآن نیز چنین سرنوشتی براساس همین سنت الهی دارد که مقدار و تعداد آیات و مکان و زمان نزولش در شب قدر تقدیر شده است.

دلیل قرآنی نظریه جدید: خداوند می فرماید «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ أَمْراً مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ» (الدخان، ۳-۵).

این آیات دلالت دارد که هر امر محکم، متین و مهمی در شب قدر تفریق (یعنی تقدیر) می شود و قرآن هم که کلام حکیمانه و سخن خدای حکیم و کتاب هدایت انسان است در شب قدر نزول تدریجی اش اندازه گیری و تقدیر شده است.

«فیهما یفرق کل امر حکیم» به معنای وجود و تحقق آن در شب قدر نیست بلکه مراد تقدیر و تصویب تحقق هر امر مقدر در زمان و مکان خاص خودش است. فی المثل، تقدیر همانند طرح و نقشه است که امری مهم و لازم در هر سازه و بنیان اساسی است.

مگر می شود یک سد و ساختمان یک دانشگاه یا مسجد را بدون طرح و نقشه و بدون دستور العمل از سوی مسئولان مربوطه ساخت؟ در نظام هستی هم هر امر مهمی ابتدا، طرح و نقشه آن مشخص و سپس به کارگزاران جهت اجرا و ایجاد ابلاغ می شود که از آنان در قرآن تعبیر به مدبرات امر شده است. «فالمدبرات امرأ» و لذا گفته شده که مراد از مدبرات ملائکه هستند از جمله جبرئیل: «... فجبرئیل یدبر امرالریاح و الجنود و الوحی... باذن الله» (طباطبایی، ۲۷۹/۲۰).

و مراد از «تفریق» در آیه، تقدیر است چنانکه از امام باقر علیه السلام نقل شده «فیهما یفرق کل

امر حکیم قال: یقدر فی لیلہ القدر کل شیء یكون فی تلک السنه الی مثلها من قابل خیر و شر» (کلینی، ۸/۸۲). یعنی مراد از یفرق فیها کل امر حکیم این است که هر خیر و شری که بنا است در طی سال پا به عرصه وجود بگذارد، در شب قدر تقدیر می‌شود.

دلیل روایی نظریه جدید: تعبیر نزول به جای تقدیر در روایات زیادی وجود دارد مضافاً به این که در همان روایات در ردیف «امور مقدر» قرآن هم ذکر شده است و این روایات دلالت دارد که مراد از نزول قرآن در شب قدر «تقدیر نزول تدریجی قرآن» در طی سال است. به لحاظ رعایت اختصار فقط چند روایت نقل می‌شود، از جمله: «عن حمران انه سأل اباجعفر علیه السلام عن قول الله عزوجل: انا انزلناه فی لیلہ القدر قال علیه السلام نعم هی لیلہ القدر و هی فی کل سنه.... فلم ینزل القرآن الا فی لیلہ القدر قال الله عزوجل: فیها یفرق کل امر حکیم. قال علیه السلام: یقدر فی لیلہ القدر کل شیء». (صدوق، ثواب الاعمال، ۶۷).

یعنی: حمران از امام باقر علیه السلام در مورد انا انزلناه .... پرسید، حضرت فرمود: بله این شب قدر در هر سال است و قرآن نازل نشده مگر در شب قدر خدا می‌فرماید: فیها یفرق کل امر حکیم آنگاه حضرت فرمود: در شب قدر هر چیزی تقدیر می‌شود. (قرآن هم که مصداقی از امر حکیم است در شب قدر تقدیر شده است). به عبارتی دیگر حکم نزول تدریجی قرآن در شب قدر تقدیر شده است.

روایت دیگر: «عن داود بن فرقد قال سئلته [یعنی الباقر علیه السلام] عن قول الله عزوجل انا انزلناه فی لیلہ القدر .... قال علیه السلام: نزل فیہ ما یكون من السنه الی السنه من موت او مولود» (صفار، ۲۴۰). یعنی از امام باقر علیه السلام پرسیدم از آیه انا انزلناه ... فرمود: تمام اموری که در سال نازل می‌شود مثل مرگ و ولادت و ... در این شب نازل می‌شود. (حضرت از تقدیر تعبیر به نزول فرموده است).

روایت دیگر: «عن علی علیه السلام قال: ان لیلہ القدر فی کل سنه و انه ینزل فی تلک الیلہ امر السنه» (کلینی، ۱/۲۴۷). یعنی: شب قدر در هر سالی هست و خدا امر آن سال را در آن شب نازل می‌کند (در این روایت هم از تقدیر تعبیر به نزول شده است).

در تفسیر اینگونه روایات که در منابع روایی اهل سنت هم نقل شده یکی از علمایشان نوشته است: «و معنی ان الله تعالی یقدر الآجال و الارزاق انه یظهر ذلک للملائکه و یأمرهم بفعل ما هو من سعتهم و ضیقهم بان یکتب لهم ما قدره فی تلک السنه و یعرفهم ایاه و لیس المراد منه انه یحدثه فی تلک الیله» (دمیاطی، ۲۸۹). مضمون کلامش این است که مراد از تقدیر اجل‌ها و رزق‌ها، ایجاد آن‌ها در شب قدر نیست بلکه تقدیر آنها و اظهار آنها برای فرشته‌ها است تا در طی سال به امر الهی به ایجاد مقدرات بپردازند.

در بعضی روایات از تقدیر به «یکتب» تعبیر شده است از جمله امام صادق علیه السلام فرموده است: «... وفد الحاج یکتب فی الیله القدر و المنايا و البالایا...» (کلینی، ۲۲۰/۴). یعنی تمام آرزوها و گرفتاریها و رفتن حاجیان به سفر حج در شب قدر مکتوب (یعنی مقدر) می‌شود.

و در برخی از روایات از تقدیر به «تفریق» تعبیر شده است: «عن الصادق علیه السلام ... یفرق الله فی الیله القدر ما کان من شده اورخاء او مطر بقدر ما یشاء الله عزوجل ان یقدر مثلها من قابل» (همانجا).

و به همین مضمون امام رضا علیه السلام فرموده است: در پاسخ به کسی که از حضرت راجع به انا انزلناه فی لیله القدر سوال کرد؛ حضرت فرمود: «... لیله القدر یقدر الله عزوجل فیها ما یکون من السنة الی السنة من حیاة او موت او خیر او شر او رزق فما قدره فی تلک اللیلة فهو من المحتوم: (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۸۱/۲).

مضمون این روایات این است که هر امر محتوم که باید به امر الهی از شب قدر تا شب قدر بعدی تحقق پیدا کند، لزوماً در شب قدر تقدیر و مکتوب می‌شود و فرشته‌هایی که به امر الهی مدبر هستند می‌فهمند که باید این امور مقدره تا سال آینده (که شب قدر بعدی است) در مدت دوازده ماه از طریق علل و اسباب خودش تحقق پیدا کند؛ و لذا در برخی از روایات، قرآن نیز در ردیف امور محتومه در شب قدر قرار گرفته و از این روایات بدست می‌آید که اگر تقدیر قرآن در ردیف، اجل، رزق، باران، موت و حیات و ... قرار

گرفته؛ پس تقدیر قرآن هم مثل تقدیر سایر امور مهمه است که در زمان و مکان و به مقدار معلوم به تدریج تحقق پیدا می‌کند. و در لسان روایات با تعبیر «نزول»، «تقدیر»، «تفریق» و «کتابت» یاد شده است.

### اشاره‌ای به دو آیه قرآن در بحث نزول دفعی

ممکن است تصور شود که آیه «لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ» (القیامه، ۱۶) و آیه «... وَ لَآ تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ» (طه، ۱۱۴). دلالتی بر نزول دفعی قرآن در ماه رمضان دارد، ولی با جستجویی که در تفاسیر فریقین صورت گرفت هیچ کدام از مفسران حتی اشاره‌ای هم به این مطلب نکرده‌اند و همان تفسیری را گفته‌اند که در روایات تفسیری فریقین در ذیل دو آیه مذکور آمده است. به این صورت که پیامبر ﷺ به هنگام نزول وحی خوف آن داشتند که مبدا آیات نازل را فراموش کنند. لذا به هنگام وحی همراه جبرئیل قرائت می‌کردند. از این رو آیه نازل شد که شما به هنگام نزول آیات قرآن تلاوت نکنید. ما آن را در سینه تو جمع خواهیم کرد و مصون از نسیان خواهی بود. پس قبل از اتمام وحی مبادرت به تلاوت نکن. (قمی مشهدی، ۸ / ۳۵۷؛ ابن ابی حاتم، ۷ / ۲۴۳۷؛ ابن کثیر دمشقی، ۵ / ۲۸۱؛ عروسی حویزی، ۳ / ۳۹۶).

البته فقط علامه طباطبایی در ذیل آیات ۱۶-۱۷ سوره قیامت فرموده: «نهی موجود در آیه موید روایاتی است که حاکی از نزول قرآن دفعتاً واحده بر پیامبر ﷺ است». (طباطبایی، ۲۰ / ۱۱) ولی این سخن از چند جهت قابل خدشه است. اولاً: در روایات نزول دفعی نیامده که قرآن دفعتاً بر پیامبر نازل شده است. در این روایات چنانکه گذشت سخن از آسمان دنیا، مواقع نجوم، بیت العزّة کعبه و بیت المعمور است. ثانیاً: همه این روایات را می‌توان حمل بر تقدیر نزول تدریجی قرآن کرد. ثالثاً خود علامه طباطبایی هر دو آیه را تفسیر به شتاب پیامبر ﷺ در قرائت قرآن قبل از اتمام نزول دانسته و فرموده است نگرانی آن حضرت را از نسیان، خدا با آیه "إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ" (القیامه، ۱۷). رفع فرموده و

عدم نسیان حضرت را تضمین نموده است (طباطبایی، ۱۱۰/۲۰؛ ۲۱۴/۱۴).

## نتایج مقاله

- ۱- نزول دفعی قرآن را می‌توان حمل بر تقدیر نزول تدریجی در شب قدر کرد. و صدور حکم نزول تدریجی مثل سایر امور در شب قدر انجام گرفته است.
- ۲- روایات مورد استناد در نزول دفعی از جهت سند و دلالت مخدوش است؛ زیرا سندا مرسل است و از جهت دلالت دچار تعارض می‌باشد. بالاخره مبدأ و مقصد نزول مختلف ذکر شده است.
- ۳- روایات شب قدر صراحت دارد که همه امور در شب قدر تقدیر می‌شود. و از تقدیر در لسان روایات تعبیر به نزول شده است. و مراد از نزول اشیاء و امور حکیم در شب قدر، وجود تقدیری آنها است. و قرآن کریم نیز از این تقدیر مستثنا نبوده است.
- ۴- آیه خزائن بیانگر این است که گنجور همه چیز در نزد خداست و تحقق آنها به اراده الهی است که حکم آن در شب قدر صادر می‌شود.
- ۵- قرآن کریم همچون سایر امور مهم و حکیم طبق سنت الهی براساس تقدیر خدا در شب قدر «نزول تدریجی‌اش» تقدیر شده و در سوره دخان که فرموده: «انا انزلناه فی لیلة مبارکه» پس از آن تعلیل فرموده به آیه: «فیها یفرق کل امر حکیم» چرا در شب مبارک قدر نزول قرآن را تقدیر کردیم چون همه امور مهم در این شب تقدیر می‌شوند و حتمیت پیدا می‌کنند. اگر به مضمون آیات و روایاتی که نقل گردید توجه شود مطلب بسیار واضح است که مراد از نزول قرآن در ماه رمضان تقدیر نزول آن در مدت مقدر است.

## کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن ابن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ریاض مکتبه الزنار، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن حجر، عسقلانی احمد، فتح الباری، دار المعرفه، بیروت، ۱۳۷۹ هـ.
۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۵. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۰ م.
۶. دمیاطی بکری، محمد، اعانه الطالبین، دارالفکر، بیروت، بی‌جا، بی‌تا.
۷. دینوری، احمد، الاخبار الطوال، داراحیاء الکتب العربی، قاهره، ۱۹۶۰ م.
۸. زنجانی، ابوعبدالله، تاریخ القرآن الکریم، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۴۰۴ هـ.
۹. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. صدوق، محمد بن علی، الاعتقادات، دارالمفید، بیروت، ۱۴۱۴ هـ.
۱۱. همو، عیون اخبار الرضا، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ هـ.
۱۲. همو، ثواب الاعمال، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ هـ.
۱۳. صفار، ابوجعفر، بصائر الدرجات، مؤسسه اعلمی، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۵. طبری، محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. فیض کاشانی، محمدبن مرتضی، الصافی فی تفسیر القرآن، صدر، تهران، ۱۴۱۵ ق.
۱۷. قرطبی، محمد، الجامع لاحکام القرآن، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۱۸. قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا، کنزالدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۶۸ ش.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۲۰. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه نشر اسلامی، قم، بی‌تا.
۲۱. همو، تاریخ قرآن، سمت، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۲۲. مفید، محمد بن نعمان، تصحیح اعتقادات الامامیه، دارالمفید، بیروت، ۱۹۹۳ م.
۲۳. هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، مکتبه القدسی، قاهره، ۱۹۹۴ م.

